

آثار و ترجمه‌های حضرت ولیّ امرالله به زبان انگلیسی

الهام افنان

هدف بنده در وهلهٔ اول معرفی کلی آثار و ترجمه‌های انگلیسی حضرت ولیّ امرالله و در مرحلهٔ بعد در حدّ امکان بررسی بعضی از خصوصیات جهان‌بینی ایشان است. قسمت اول به آثار مبارک و قسمت دوم به ترجمه‌های ایشان اختصاص خواهد داشت.

آثار انگلیسی حضرت ولیّ امرالله

با وجود اینکه تعدادی از آثار حضرت ولیّ امرالله به صورت کتاب‌های مستقل چاپ شده ولی فقط *God Passes By* یا کتاب قرن بدیع است که در واقع به عنوان کتاب تحریر شده است. بقیه آثار همه توقیعاتی هستند که بعضاً بسیار مفصل و در حدّ کتابی کوتاه می‌باشند ولی با کتاب این فرق را دارند که خطاب به خوانندگان خاصی هستند. البته از جهتی می‌توان گفت که آثار مبارکه حتی آنها که فقط یک مخاطب دارد قابل استفاده و حاوی مطالب لازم و مهم برای همگی اجّاست ولی در عین حال لحن و حالت یک نامه یا توقیع با یک کتاب فرق دارد.

حضرت ولیّ امرالله از ابتدای دورهٔ ولایت تا زمان صعود با عالم بهائی از طریق توقیعات و تلگرام‌های متعدّد در ارتباط بودند. بسیاری از این توقیعات که خطاب به جمعیت‌ها و محافل است یا مطالب آن جنبهٔ عمومی دارد در مجموعه‌های مختلف جمع‌آوری و چاپ شده. بعضی از توقیعات خطاب به اشخاص نیز بسته به اینکه حاوی چه مطالبی بوده است به صورت مجموعه‌هایی به طبع رسیده است. ولی در مرکز جهانی حدود بیست هزار توقیع بیش از ۱۵ هزار به انگلیسی و ۴ هزار به فارسی و عربی و بیش از ۹ هزار تلگرام موجود است که همهٔ آنها هنوز به مرحلهٔ چاپ نرسیده.

یکی از اولین و شاید مهم‌ترین مجموعه‌های توقیعات مبارک کتاب *World Order of Bahá'u'lláh* یا نظم جهانی بهائی است که در حقیقت مجموعهٔ ۷ توقیع است که در بین سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶ از قلم

مبارک صادر شده است و در سال ۱۹۳۸ توسط محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا به طبع رسیده و چند بار هم تجدید چاپ شده. مهم‌ترین این توابع دور بهائی (*Dispensation of Bahá'u'lláh*) است که در سال ۱۹۳۴ خطاب به بهائیان مغرب زمین نوشته شده و اهمیت آن در نیت عهد و میثاق و تشریح نظم اداری فوق العاده است. این تویع منبع به فارسی ترجمه و به صورت مجزا در ایران چاپ شده. تویعی دیگر در این کتاب موجود است به نام "امریکا و صلح اعظم" (*America and the Most Great Peace*) که در سال ۱۹۳۳ خطاب به اجبای امریکا و کانادا صادر گشته. پنج تویع دیگر مجموعه خوشبختانه حدود ده سال پیش به قلم شیوای جناب هوشمند فتح اعظم به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۹۸۹ تحت عنوان نظم جهانی بهائی توسط مؤسسه معارف بهائی در کانادا به طبع رسید. این پنج تویع عبارتند از:

<i>World Order of Bahá'u'lláh</i>	۱۹۲۹	● نظم جهان آرای الهی
<i>World Order of Bahá'u'lláh: Further Considerations</i>	۱۹۳۰	● ملاحظات بیشتر درباره نظم جهان آرای الهی
<i>The Goal of a New World Order</i>	۱۹۳۱	● هدف نظم بدیع جهانی
<i>The Golden Age of the Cause of Bahá'u'lláh</i>	۱۹۳۲	● عصر ذهبی امر بهائی
<i>The Unfoldment of World Civilization</i>	۱۹۳۶	● تولد مدنیت جهانی

از دیگر تویعات بسیار مهم حضرت ولی امرالله ظهور عدل الهی (*Advent of Divine Justice*) است که در سال ۱۹۳۸ خطاب به اجبای امریکا و کانادا صادر شده و در آن هیکل مبارک به صورت مختصر ولی در عین حال عمیق و دقیق خصوصیات و مشکلات جامعه غیر بهائی در قاره امریکا را بررسی می‌فرماید و بعد شرایط لازم برای پیروزی روحانی (*spiritual prerequisites*) جامعه بهائی را شرح داده می‌فرماید این شرایط عبارتست از تقوی و حسن اخلاق، عفت و عصمت، و آزادی از تعصب بخصوص تعصب نژادی.

تویع منبع دیگر قد ظهر یوم المیعاد (*The Promised Day Is Come*) است که در سال ۱۹۴۱ یعنی در بحبوحه جنگ جهانی دوم نوشته شده است. در اینجا حضرت ولی امر اتفاقات و تحولات عالم در مدت نزدیک به یک قرن پس از ظهور جدید را تجزیه و تحلیل می‌فرماید و علت بحران روزافزون جهان را در عدم قبول پیام وحدت و صلح جمال مبارک می‌یابد. در این تویع هیکل مبارک با بیانی مهیمن و قاطع رؤوس مطالب الواح حضرت بهاءالله به ملوک و سلاطین را ذکر می‌نماید و نتایجی که رد این ندای الهی برای سلاطین و مردم جهان به همراه داشته یک یک شرح می‌دهند. و بالاخره کتاب عظیم الشان و یکتای حضرت ولی امرالله یعنی *God Passes By* که در سال ۱۹۴۴ به

مناسبت صدمین سال ظهور حضرت اعلیٰ تألیف شده و ترجمه فارسی آن به نام کتاب قرن بدیع معروف است. این کتاب جلیل، تاریخ قرن اول بهائی است ولی تاریخ تفصیلی و شرح جزئیات وقایع نیست بلکه تاریخ تحلیلی است که در آن سیر تحوّل امر و ارتباط وقایع تاریخی با اتفاقات و بحران‌های داخل و خارج هر دو مورد بررسی قرار گرفته. بنا به نوشته حضرت روحیه خانم هدف از نگارش کتاب قرن بدیع آن بود که:

«حقایق مسلمة ظهور الهی و اعتلای امر را در این مدت نشان داده تأسیس نظم بدیع را گوشزد فرمایند و بحران‌های عظیم و قوای سرّیه الهیه را که برای تقدّم و تعالی امر از منابع غیبیه جاری است در برابر چشم یاران عیان فرمایند تا خود مشاهده نمایند که چگونه امر الهی از فتحی به فتح دیگر واصل و متواصل می‌گردد.»^۱

این کتاب چنانچه حضرت امه البهاء می‌فرمایند: «امّ الکتاب خواهد شد و در مستقبل ایام مورّخین هر کلمه‌ای از آن را مهمّ دانسته و هر کلمه‌ای را جوامع الکلم می‌یابند.»^۲

علاوه بر آثاری که ذکر شد بسیاری از توقیعات عمومی و خصوصی حضرت ولیّ امرالله در مجموعه‌های مختلف جمع‌آوری شده که در اینجا فقط به ذکر عناوین بعضی از آنها اکتفا می‌شود. باید دانست که این عناوین نه از طرف هیکل مبارک بلکه توسط مؤسّساتی که به نشر این مجموعه‌ها اقدام کرده‌اند بر این آثار گذارده شده است.

<i>Messages to Canada</i>	● پیام‌ها به کانادا
<i>Dawn of a New Day</i>	● طلّیعه روز جدید
<i>Directives from the Guardian</i>	● اوامری از حضرت ولیّ امرالله
<i>High Endeavours</i>	● مساعی عالیّه
<i>Messages to the Antipodes</i>	● مجموعه پیام‌ها به قاره اقیانوسیه و جزائر جنوبی اقیانوس کبیر
<i>Call to the Nations</i>	● ندا به اهل عالم
<i>Bahá'í Administration</i>	● نظم اداری بهائی
<i>Messages to America</i>	● پیام‌ها به امریکا
<i>Messages to the Bahá'í World</i>	● پیام‌ها به جهان بهائی
<i>Principles of Bahá'í Administration</i>	● اصول نظم اداری بهائی
<i>Guidance for Today and Tomorrow</i>	● راهنمایی برای امروز و فردا
<i>Citadel of Faith</i>	● حصن حصین شریعت‌الله

بالاخره جا دارد که در میان آثار انگلیسی حضرت ولیّ امرالله اشاره‌ای نیز به کتاب تاریخ نبیل بنمائیم چون اگرچه این اثر به ظاهر ترجمه قسمت اول تاریخی به قلم جناب نبیل زرنندی است ولی در واقع وجود آن به صورت حاضر مدیون قوه خلاقه هیکل مبارک است که مأخذ تاریخی یعنی نوشته نبیل رانه تنها به زبانی جدید بلکه در قالبی بدیع وجودی نو بخشیدند و چنانچه در کتاب گوهر یکتا می‌خوانیم: «درست است که وجود مبارک آن را "ترجمه" نامیدند ولی فی الواقع و نفس الامر قلم توانای آن حضرت خلق بدیعی از تاریخ نبیل به وجود آورده‌اند.»^۳ ترجمه تاریخ نبیل در سال ۱۹۳۲ به اتمام رسید و هیکل مبارک به آن عنوان *Dawn-Breakers* با مطالع الانوار دادند.

این بود معرفتی کوتاهی از آثار انگلیسی حضرت ولیّ عزیز امرالله. بدیهی است که می‌توان درباره هر یک آنها کتاب‌ها نوشت ولی در حال حاضر بجای اینکه سعی کنیم بیشتر در جزئیات هر اثر وارد شویم مفید است که بطور کلی تر به چند موضوع که در آثار مبارک حائز اهمیت است پردازیم. دو موضوع که به نظر من از اهمیت عمده برخوردار است یکی استنباط حضرت ولیّ امرالله از تاریخ، و دیگری جهان‌بینی آن حضرت و دیدشان درباره آینده است و البته شکی نیست که بین این دو مطلب یعنی گذشته و آینده ارتباط مخصوص موجود است.

حضرت ولیّ امرالله شاید تنها مورخ حقیقی امر تا به امروز هستند زیرا اگرچه بسیاری از احباء تاریخ نوشته‌اند به این معنی که مدارک تاریخی را جمع و ضبط کرده و شرح وقایع تاریخی را به روی کاغذ آورده‌اند و حتی بعضاً ارتباط وقایع مختلف را بررسی و علل و نتایج آنها را تجزیه و تحلیل کرده‌اند ولی فقط هیکل مبارکند که یک فلسفه تاریخ از دید امر و بر مبنای آثار حضرت بهاءالله، حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء بوجود آورده و تاریخ دیانت بهائی و جهان امروز را بر طبق این فلسفه مورد بررسی قرار داده‌اند.

کتابی که این فلسفه تاریخ در آن به کامل‌ترین و واضح‌ترین وجه ارائه گردیده و بیان شده کتاب قرن بدیع (*God Passes By*) است. در مقدمه کتاب هیکل مبارک می‌فرمایند که هدفشان از تألیف این اثر اینست که: ۱- «اصول وقایع و امهات حوادثی که با سطوح و انتشار این امر اتم افخم مقترن و مصادف بوده ذکر شود.» ۲- «مراحل اولیه استقرار مؤسسات اداری امرالله، هسته مرکزی و مبشر نظم بدیع الهی که خود معرف روح و مجری قوانین و برآورنده مقصود و هدف شریعت الهی در این یوم عظیم محسوب است مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.»^۴ دید وسیع و جهان‌بینی حضرت ولیّ امرالله معنی و هدف وقایع به ظاهر نامرتب را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که اتفاقات متعدّد گوناگونی که در ظرف قرن اول امر پیش آمده یک رشته دراز و سر درگم نیست بلکه مانند تابلوی خاتمی است که هر قطعه آن در کنار قطعات دیگر به صورت خاصی جای می‌گیرد و ارتباط آنها با یکدیگر نقش و طرح خاصی را نمایان می‌سازد. حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

«قرن اول بهائی مشحون از یک سلسله انقلابات داخلی و وقایع خارجی است که به مراتب از ضعف و شدت عرض اندام نموده و کل در بادی امر علت توقف و اضمحلال امر الهی تلقی گشته ولی هر یک به نحوی اسرارآمیز موجب کسب تأییدات بدیعه ربانیه و تهییج و تقویت نفوس مؤمنه و بت نطق امرالله و تقویت اساس شریعه الله گردیده است و این بسط و اشاعه امر الهی خود مایه تشدید عداوت دشمنان و حدوث بلیات جدیده بوده و آن بلاها و رزایا نیز مجدداً جالب عنایات الهی و جاذب توفیقات لاریبیه سبحانی و بالتبجیه ایجاد روح بدیع در پیروان امرالله... است.»^۵

این جریان بحران و پیروزی (crisis and victory) قسمتی است از فلسفه تاریخ حضرت ولی امرالله که در خلال صفحات کتاب قرن بدیع مکرراً با ذکر مثال‌های متعدد به شرح و اثبات آن می‌پردازند. در اینجا می‌توانیم به ذکر فقط یک نمونه از آن بپردازیم و آن شرح مسجونى حضرت اعلیٰ در آذربایجان است.

بنا به فرموده حضرت ولی امر مجلس ولیعهد در تبریز که هدفش مجبور کردن حضرت باب به تقیه و انکار دعوی خویش بود نتیجه معکوس داد و به آن حضرت این امکان را داد که رسماً و علناً و صراحتاً در حضور علماء اسلام دعوی قائمیت نموده و مقام خود را اظهار فرمایند. علاوه بر این:

«نفی مبارک در اقصی نقطه مملکت اصفهان و [ماکو و چهریق] و دوری آن شمس ازلیه از مراکز پر انقلاب شیراز و طهران موقع مساعد و فرصت مناسبی به دست داد تا آن حضرت به تنزیل و تنظیم اعظم آثار مبارک خویش مألوف شوند و به صدور الواح و صحف منیعہ... موفق گردند.»^۶

اهم این آثار البتہ کتاب بیان است ولی غیر از آن از دلائل سبعة، لوح حروفات، توقیعی مهیمن به افتخار محمد شاه و توقیعی خطاب به حاجی میرزا آغاسی می‌توان نام برد. ضمناً در همین دوران است که احتفال بدشت نیز واقع شد و در آن صور استقلال امر مبارک دمیده گردید و احکام و سنن اسلامی که مدت ۱۲ قرن مسلمین را در ظلّ رایت خود مجتمع نموده بود نسخ شد. به عبارت دیگر صدمه و زجری که حضرت باب در حبس ماکو و چهریق متحمل شدند اگرچه به ظاهر بحرانی عظیم بود ولی در باطن نتیجه‌اش اعلان استقلال و پیشرفت امر مبارک بود. این مثالی است که روش حضرت ولی امرالله را در شرح فلسفه تاریخ امر نشان می‌دهد یعنی هیکل مبارک اول وقایع تاریخی را به اختصار نقل می‌نمایند و بعد ارتباط آنها را با یکدیگر بیان می‌فرمایند و بالاخره نتایج و ثمرات این اتفاقات را که همواره منتج به ترقی و پیشرفت امر است خاطر نشان می‌سازند.

هدف دیگر حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع اینست که به تاریخ امر شکل ببخشند و آن را قابل فهم نمایند به این معنی که خواننده نه تنها بتواند ارتباط دوره‌های مختلف تاریخ را با یکدیگر درک کند بلکه بتواند ارتباط خود را نیز با آنها کشف کرده خویش را جزئی از این تاریخ محسوب نماید. برای نیل

به این منظور هیكل مبارك تاريخ قرن اول امر را به دو عصر (age) و چهار عهد (epoch) تقسیم می‌فرمایند که عبارتند از عصر رسولی که از سه عهد منتسب به حضرت اعلیٰ، حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء تشکیل گشته و عصر تکوین که با اعلان وصایای حضرت عبدالبهاء آغاز گردیده و عهد اول آن تا پایان قرن اول بهائی امتداد می‌یابد. بیت العدل اعظم این تقسیم‌بندی را ادامه داده‌اند چنانکه اکنون در عهد چهارم عصر تکوین هستیم. حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند که عهود مذکوره که مراحل مختلفه تاریخ بهائی را نشان می‌دهند شاهد یک رشته وقایع عظیمه روحانیته‌اند که «کُلّ متتابعاً و مترادفاً... تحقّق یافته و چون حلقات یک سلسله به یکدیگر متصل و مرتبطند.»^۷ این وقایع بطور کلی عبارتند از قیام مبشر امر بدیع و ظهور شارع عظیم و تأسیس میثاق الهی و استقرار نظم اداری شریعه‌الله که همه وقایع دیگر را می‌توان در ارتباط با این وقایع مهمه مورد بررسی قرار داد.

بخش عمده کتاب قرن بدیع راجع به تاریخ امر است ولیّ حضرت ولیّ امرالله به تناسب موضوع ارتباط وقایع تاریخی امر را با تاریخ جهان بطور کلی نیز بیان می‌فرمایند و مثلاً در فصل آخر کتاب بطور مجمل بر اهمیت این وقایع جهانی مرور نموده مفهوم آنها را برای آینده امر و عالم توضیح می‌دهند. در توقیع قد ظهر یوم المیعاد این ارتباط بین امر و دنیای خارج اهمیت بیشتری می‌یابد و در حقیقت هسته اصلی مطلب را تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت این توقیع عبارت است از تاریخ دینی و اجتماعی جهان در قرن نوزدهم و بیستم، از دید دیانت بهائی. آغاز توقیع با این بیان مبارک است که طوفانی بی‌سابقه کُره ارض را در برگرفته که مسیر آن غیر قابل پیش‌بینی، اثرات فوری آن مخرب و ویرانگر و نتایج غائی آن فوق‌العاده با شکوه و جلال است. بنا به فرموده جمال مبارک در الواح متعدده یوم میعاد فرا رسیده، روزی که در آن اهل ارض هم به جزای اعمال خود می‌رسند و هم تطهیر و تأدیب گشته خلق جدید می‌گردند. حضرت ولیّ امر اول می‌فرمایند که مردم دنیا صد سال وقت داشتند که پیام جمال مبارک را بشنوند و به آن اقبال کنند ولی عکس العمل اکثریت آنان دشمنی و عناد و تهمت‌های بی‌پایه و اساس یا بی‌تفاوتی و بی‌محلّی بود. رهبران ملل و پیشوایان مذهبی نیز که مخاطبین مستقیم الواح حضرت بهاء‌الله و حضرت اعلیٰ بودند از قدرت و اختیار مطلق خود سوء استفاده کرده موجبات ابتلای امر به مشکلات و تضییقات فراوان را فراهم آوردند و عامه مردم را از شناسایی آزادانه و قبول پیام الهی محروم ساختند. به این دلیل است که حضرت بهاء‌الله فرمودند: «عزّت از دو طائفه اخذ شد ملوک و علماء.»^۸

حضرت ولیّ امرالله سپس به نحو دقیق و جامع ارتباط بین ندای جمال مبارک به ملوک و سلاطین و رؤسای ادیان را با عکس‌العمل آنان و نتیجه اعمالشان بررسی می‌فرمایند به این نحو که اول قسمت‌هایی از سوره ملوک، کتاب مستطاب اقدس و الواح سلاطین را نقل فرموده و بعد یک به یک عکس‌العمل سلاطین را بیان و نتیجه آن را که در همه موارد (غیر از ملکه ویکتوریا) عزل پادشاهان از مقام خود و انواع خواری و حقارت بر ایشان بوده شرح می‌دهند. بعد به همین نحو نشان می‌دهند که رؤسای دینی اسلام و مسیحیت نیز مقامات و قدرتی را که قرن‌ها در دست داشتند چگونه کلاً از دست دادند و مخصوصاً بر این نکته تکیه

می‌فرمایند که مؤسسه خلافت و حکم شریعت که نزدیک به ۱۲ قرن جهان اسلام را در زیر سلطه خود داشت در اندک مدتی به کلی نابود شد و همچنین سلسله مراتب رهبران شیعه نیز کاملاً از هم پاشید. هیکل مبارک حدود نیمی از یک صفحه را فقط به فهرست مقامات شیعه که رسوا و فلج شده‌اند تخصیص می‌دهند و جالب است که اسامی فارسی آنها را به کار می‌برند و به این نحو نشان می‌دهند که از آنها جز اسمی باقی نمانده (شیخ الاسلام‌ها، مجتهدین، ملایان، فقها، امامان، مؤذنین، وعاظ، قاریان، متولیان، مدرّسین، طلاب، قراء، معبرین، مفسرین، محدّثین، ذاکرین، عمال زکات، مقدّسین، منزویون، صوفیان، دراویش و غیره). به همین منوال روحانیون مسیحی نیز نفوذ خود را روی پیروان مسیح از دست دادند. این جریان از سلب قدرت دنیوی از پاپ (secularization) شروع شد و کم‌کم به بی‌دینی بخش عمده‌ای از مسیحیان انجامید. در ضمن این تحولات می‌توان دید که مردم جهان نه تنها به ندای جمال مبارک لَبیک نگفتند بلکه بطور کلی از جمیع ادیان روی برگرداندند و در عوض به سه خدای کاذب رو آوردند که عبارتند از ملیت پرستی، نژاد پرستی و کمونیسم. نتیجه پرستش این خدایان کاذب انحطاط اخلاق و انواع مشکلات و ناراحتی‌هایی است که علائم تنبیه الهی و تطهیر جامعه انسانی است و نتیجه غائی آن تنبیه اهل عالم و اتحاد آنان در ظلّ لوای جمال قدم و ظهور عصر ذهبی امر مبارک خواهد بود. در این توفیق نیز حضرت ولیّ امرالله نه تنها وقایع تاریخی را ذکر می‌فرمایند و ارتباط آنها را با یکدیگر بیان می‌کنند بلکه از این اتفاقات استفاده می‌نمایند که نتیجه‌ای کلی گرفته بخشی دیگر از فلسفه تاریخ امر را ارائه دهند. این توفیق نمایانگر دو جریان یکی ویرانگر و دیگری سازنده‌ای است که ظهور جمال مبارک در جهان به حرکت آورده از طرفی مؤسسات سابقه‌دار و قدرتمندی چون خلافت و سلطنت در اثر مخالفت با امر الهی ساقط شده و از بین می‌روند و سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی که قرن‌ها پابرجا بوده از هم می‌پاشند. از طرف دیگر تمدنی جدید که بر پایه وحدت و عدالت و اعتدال بنا شده کم‌کم رشد می‌کند و وسعت و ترقی می‌یابد تا اینکه بالاخره به یک مدنیت جهانی تبدیل گردد. هیکل مبارک می‌فرمایند که پیام حضرت مسیح عمدتاً خطاب به افراد بود و پیام اسلام برای ملل و پیام دیانت بهائی خطاب به نوع بشر می‌باشد و این مطابق با پیشرفت انسان در مراتب مختلفه از وحدت خانواده به وحدت قبیله، شهر، کشور و بالاخره وحدت عالم انسانی است که البته هدف دیانت بهائی و مقصدی است که دو جریان مورد بحث جهان را به سوی آن سوق می‌دهند.

مجموعه توفیقی که به نام نظم جهانی بهائی معروف است نیز علاوه بر بسیاری مطالب مهم دیگر با این دو جریان سروکار دارد. در این کتاب نفس تاریخ یعنی وقایع تاریخی مورد توجه اصلی نیست ولی سیر تاریخ و جهت تحولات تاریخی از گذشته به حال و به آینده حائز اهمیت مرکزی است و مخصوصاً در توفیق تولّد مدنیت جهانی این مطالب به تفصیل بیان شده و مطالعه آن به درک دید تاریخی حضرت ولیّ امرالله کمک می‌کند. همانطور که گفته شد این توفیق چند سال قبل توسط جناب فتح اعظم ترجمه شده و در دسترس است، هیکل مبارک می‌فرمایند:

«جریانی مرکب از دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است در حالیکه هریک از این دو نیرو با شتابی فزاینده مسیری مخالف با مسیر نیروی دیگر را طی می‌کند. این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است و دیگری مخرب و متلاشی کننده... آن سیر سازنده به آئین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و طلیعه نظم بدیع جهان آرای است که بزودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد. و بالعکس، این نیروی مخرب که نماینده آن سیر دیگر است وابسته به مدنیتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالتیجه به کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است.»^۹

از علائم این نیروی مخرب انحطاط در جمیع امور بشری از دین و مذهب گرفته تا امور سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، هنری و اجتماعی است که حضرت ولی امرالله نمونه‌هایی برای هریک ارائه می‌دهند. از طرف دیگر هیکل مبارک به صراحت می‌فرماید که «اتحاد اهل عالم درخشان‌ترین مرحله‌ای است که حال جامعه انسان رو به آن روان است. اتحاد خانواده، اتحاد دولت شهر، و اتحاد ملی مراحل است که بشر آن را پیموده و با موفقیت پشت سر گذاشته و امروز اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است.»^{۱۰} سپس لوازم استقرار وحدت نوع انسان را بیان می‌فرماید که از جمله عبارت است از یک جامعه متحد جهانی که دارای هیئت مقتنه، هیئت مجریه با پشتیبانی نیروی پلیس بین‌المللی، محکمه جهانی، دستگاه ارتباطات و مخابرات بین‌المللی، زبان بین‌المللی، خط و ادبیات جهانی و نظام مشترک برای پول، اوزان و مقادیر باشد. در چنین جامعه‌ای منابع اقتصادی تحت نظم در می‌آید، رقابت‌ها و کینه‌های ملی و تعصبات نژادی و خصومت‌های دینی و تفاوت فاحش طبقاتی از بین می‌رود و نیروها و منابعی که اکنون صرف جنگ و اختلاف می‌شود آنوقت صرف توسعه اختراعات و ترقیات فنی و تحقیقات علمی، ازدیاد محصولات و تولیدات بشری، بالا بردن سطح سلامت، بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و ترویج وسایل تقویت حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان می‌شود.

تکیه عرائض من تا به حال روی نقش حضرت ولی امرالله در ایجاد و تشریح یک فلسفه تاریخ مبتنی بر اعتقادات دیانت بهائی بوده است و به نظر من این یکی از بزرگترین خدمات هیکل مبارک به جامعه بهائی و نهایتاً به جامعه انسانی است. ولی حضرت ولی امرالله در عین حال واقف بر این بودند که یک فلسفه تاریخ همانقدر که متکی به اعتقاد و ایدئولوژی است همانقدر هم باید مبتنی بر واقعیت باشد و با وقایع تاریخی هماهنگی داشته باشد. کتاب تاریخ نیل نمونه‌ای است از نقشی که شرح وقایع تاریخی در امر ایفا می‌کند. هدف اصلی هیکل مبارک از ترجمه و تنظیم تاریخ نیل الهام بخشیدن و تشجیع احباء و انتقال روح امر به غیر بهائیان بود ولی غیر از این، کتاب تاریخ نیل نمونه‌ای است از نحوه عرضه کردن تاریخ. خود جناب نیل چنانچه در مقدمه کتاب می‌خوانیم دقت و احتیاط داشته‌اند که فقط وقایع مستند را نقل کنند یعنی فقط آن وقایعی را که خود شخصاً ناظر آن بوده یا از شاهد دست اول و قابل اعتماد

شنیده‌اند و می‌بینیم که در سرتاسر کتاب اغلب یا به صورت اول شخص مشاهدات و تجربیات خود را بیان می‌کنند یا صحبت شخص دیگری را عیناً نقل می‌نمایند.

وقتی حضرت ولیّ امرالله تاریخ نبیل را ترجمه فرمودند حدود چهل سال از فوت نبیل اعظم گذشته بود و در این مدّت تحقیقات جدیدی دربارهٔ دیانت بابی انجام شده بود. اضافه بر این هیکل مبارک به مدارکی به انگلیسی و فرانسه دسترسی داشتند که البته مورد دسترس جناب نبیل نبوده. همچنین صنعت عکاسی در طیّ این مدّت پیشرفت کرده و همگانی شده بود و حضرت ولیّ امر توانستند افی بیکر Effie Baker خانم بهائی استرالیایی را به ایران بفرستند تا از اماکن تاریخی امر عکس بردارد.^{۱۱} نتیجه این بود که هیکل مبارک تاریخ نبیل را به صورتی منظم و سهل الوصول ترجمه فرمودند، هر جا مناسب بود مدارک جدید را به صورت حاشیه و پاورقی اضافه نمودند، با چاپ عکس هم اصالت مطالب را تأکید کردند و هم آنها را برای خواننده نزدیکتر و زنده‌تر نمودند، و مهم‌تر از همه الگو و نمونه‌ای برای مورّخین آینده امر به وجود آوردند.

اقدام دیگری که می‌توان آن را مکمل ارائه تاریخ نبیل شمرد تهیه و تنظیم مجلّات متعدّد "عالم بهائی" است که از سال ۱۹۲۳ تا صعود مبارک در ۱۹۵۷ تحت نظارت نزدیک و دقیق مبارک به صورت مرتّب انتشار می‌یافت و البته پس از آن هم تحت اشراف بیت العدل اعظم کماکان منتشر شده و می‌شود. کتاب‌های "عالم بهائی" هم از جهاتی همان اهداف تاریخ نبیل را انجام می‌دهد یعنی با جمع‌آوری و ارائه اقدامات و موقیّت‌های جامعهٔ بهائی در سراسر جهان خوانندگان بهائی را تشویق کرده روح جدید می‌بخشد و به خوانندگان غیر بهائی نه تنها اطلاعات مفید و اساسی راجع به امر می‌دهد بلکه این روح را به آنان نیز منتقل می‌کند. گزارش اخبار کنفرانس‌ها، تأسیس محافل، ثبت محافل و مؤسسات امری در کشورهای مختلف، ترجمهٔ آثار مبارکه به زبان‌های جدید، بنای مشرق‌الاذکارهای قازات و ساختمان‌های مختلف در مرکز جهانی و مقالات متنوّع دربارهٔ تاریخ، اهداف و پیشرفت‌های امر مبارک - اینها فقط بعضی از مطالبی است که در کتاب "عالم بهائی" به آن بر می‌خوریم. در ضمن هر مجلّد از این کتاب به تعداد زیادی عکس‌های جالب توجه و در بعضی موارد منحصر به فرد مزین شده. در جلد ۱۳ که در پایان جهاد کبیر اکبر چاپ شده، نقشه‌های مفصل و مشروح که اهداف نقشه‌رانشان می‌دهد و به دست مبارک ترسیم شده موجود است. همچنین عکس بسیاری مدارک از جمله ثبت محافل و غیره و حتی نمونه‌هایی از ترجمهٔ صلوات صغیر به زبان‌های مختلف در بسیاری از جلدهای کتاب دیده می‌شود. تمام این مطالب و مدارک نه تنها به خودی خود مهم و جالبند بلکه در عین حال اسنادی تاریخی هستند که مورّخین آینده برای تحقیق در جنبه‌های مختلف تاریخ امر می‌توانند از آن استفاده کنند. به عبارت دیگر مجلّات "عالم بهائی" مجموعه‌ای است از مدارک و اسناد تاریخی که حضرت ولیّ امرالله برای آیندگان آماده کرده و به یادگار گذاشته‌اند.

توجه ما تا به حال بیشتر به دید حضرت ولیّ امرالله نسبت به تاریخ امر و نسبت آن با تاریخ جهان

معاصر بوده ولی البتّه این فقط قسمتی از مطالب وسیعی است که هیکل مبارک در آثارشان بیان فرموده‌اند و جا دارد که هرچند به اختصار به بعضی دیگر از این مطالب نیز نظری بیافکنیم. وجه مشترک همه این مطالب آنست که هیکل مبارک در بیان آنها همیشه توجّهشان به این است که ارتباط بین اجزاء پراکنده را نشان دهند و دورنمایی وسیع که جنبه‌های مختلف امر را با یکدیگر هماهنگ سازد ایجاد نمایند.

یکی از این مطالب وسیع تبلیغ امرالله و استقرار و توسعه نظم اداری بهائی است. در توفیق ظهور عدل الهی که خطاب به احتیای امریکا و کانادا است هیکل مبارک امریکای شمالی را مهد نظم بدیع جهانی می‌خواند و از احتیای آن قاره به عنوان "وراث روحانی عصر رسولی" نام می‌برد و وظائف آنان را در ایفای نقش خود توضیح می‌فرماید. این خلاصه شاید به نظر نسبتاً ساده بیاید ولی مطالعه توفیق نشان می‌دهد که چگونه هیکل مبارک ارتباط بین تبلیغ، خدمات اداری و ترقی روحانی فردی را شرح می‌دهند. حضرت ولیّ امرالله در عین حال تأکید می‌نمایند که میان بهائیان امریکا که لطف و تمجید حضرت عبدالهء شامل حالشان شده و قاطبه اهالی آن قاره تفاوت بسیار است و دقیقاً به علت غوطه‌وری جامعه امریکا در فلسفه مادی، تعصبات نژادی و فساد سیاسی و اخلاقی است که جمال مبارک این افتخار را به احتیای آن قاره داده‌اند تا قدرت امر مبارک را در خلق جدید به همگان ثابت نمایند و با بروز خصائل تقوی و حسن اخلاق، عفت و عصمت، و آزادی از تعصبات به پیروزی روحانی دست یابند. قدم بعد پس از وصول این شرایط قیام به تبلیغ است و هیکل مبارک اهمّیت تبلیغ و شرایط لازم برای توفیق در این امر را بیان می‌فرماید و از جمله اهمّیت تبلیغ اقلّیت‌ها، احتیاج به ترجمه آثار به زبان‌های محلی و اهمّیت مهاجرت را تأکید می‌فرماید، به سهم بسیار مهمّی که زنان در فتح روحانی کشورهای متعدّد داشته و دارند اشاره می‌فرماید و ایشان را تشویق به ادامه این نقش مهمّ می‌نمایند، و جوانان را تشویق می‌کنند که در امور تبلیغی و اداری هر دو شرکت کامل داشته باشند.

مطلب مهمّ دیگر که در آثار مبارکه مکرراً بیان شده نظم اداری بهائی است که بدون اغراق می‌توان گفت وجود آن را مدیون حضرت ولیّ امرالله هستیم. چون اگرچه اصول و مؤسّسات این نظم توسط جمال مبارک تأسیس شده و در الواح وصایای حضرت عبدالهء شرح و بسط داده شده ولی در توقیعات حضرت ولیّ امرالله است که جزئیّات و چگونگی استقرار و نحوه عمل این نظم جدید بیان گردیده است. خود حضرت ولیّ امر در ابتدای نظم جهانی بهائی چنین می‌فرماید:

«نظم اداری بهائی بدعتی نیست که بعد از صعود حضرت عبدالهء بر عالم بهائی تحمیل شده باشد بلکه اعتبار و سندیتش از الواح وصایای حضرت عبدالهء سرچشمه گرفته... و اجزاء مهمّه‌اش در آیات کتاب اقدس تثبیت گشته است. به این تقدیر نظم اداری بهائی با حقایق آئین بهائی پیوندی ناگسستنی دارد و اصولی را که جداگانه از قلم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهء صادر گشته به یکدیگر متصل می‌سازد.»^{۱۲}

هیكل مبارك یاد آور می شوند که در کتاب اقدس بیت العدل محلّی و عمومی تشریح گشته و در الواح وصایا محافل ملّی به نام بیت العدل خصوصی تسمیه شده و طریق انتخابات آن نیز تبیین شده. علاوه بر این حضرت عبدالبهاء در الواح متعدّده مشروعات صندوق های محلّی و ملّی و مطالبی از قبیل لزوم اطاعت از رأی محفل، ترجیح اتّفاق آراء بر اکثریت آراء، قاطع بودن رأی اکثریت و البته اختیارات دو مؤسسه ولایت و بیت العدل اعظم و ارتباطشان با یکدیگر به کمال صراحت و قاطعیّت در الواح وصایا بیان شده. ولی تمام این نکات که امروز بدیهی به نظر می رسد شکّی نیست که بدون تبیین و توضیح حضرت ولیّ امر برای ما مجهول می بود. جناب فتح اعظم در مقدمه ترجمه نظم جهانی بهائی چنین می نویسند:

«معرفت امر بهائی و درک حقائق مکنونه در آئین حضرت بهاء الله بدون استعانت از آثار مبین منصوصش حضرت شوقی افندی... چنانکه باید کامل نگردد و دقائقش غالباً پوشیده ماند. حضرت ولیّ امرالله طیّ سی و شش سال دوره ولایتش آثاری بی شمار در تبیین نصوص مقدّسه و تعیین حدود نظم اداری و تأسیس مؤسسات بهائی... صادر فرمود و به مدد آنها جامعه بین المللی بهائی را قدم به قدم هدایت فرمود و نضح و انسجام بخشید و مهیای آینده ساخت.»^{۱۳}

نقشه های بین المللی تبلیغی که الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء را به مرحله اجرا گذاشت و امر مبارک را در سراسر جهان منتشر نمود، تشکیل و ثبت محافل محلّی و ملّی در همه قارّات جهان، انتصاب ایادی امرالله و تعیین وظائف ایشان، بیان شرایط لازمه اصحاب شور و نحوه مشورت، ترجمه آثار مبارکه به زبان های گوناگون، اینها تنها بعضی از مطالب مهمی است که حضرت ولیّ امرالله در توقعات متعدّد عمومی و خصوصی بیان فرموده و با ارتباط نزدیک با افراد و محافل آنها را به مرحله عمل رساندند. مطلب دیگری که حضرت ولیّ امر در بسیاری آثار خویش تشریح فرموده اند مقام حضرت بهاء الله، حضرت ربّ اعلیّ و حضرت عبدالبهاء و ارتباط ایشان با یکدیگر است. توقیع دور بهائی که مهم ترین بخش کتاب نظم جهانی بهائی است اصولاً به چهار قسمت تقسیم شده که سه قسمت آن هر یک درباره یکی از این هیاکل مقدّسه است و چهارمین قسمت درباره نظم اداری و مؤسسات ولایت و بیت العدل اعظم است. در این توقیع است که حضرت ولیّ امرالله مقام دوگانه حضرت اعلیّ را که هم مظهر ظهور الهی و هم مبشّر به ظهور جمال مبارکند بیان می کنند و تصریح می فرمایند که حضرت بهاء الله مظهر کلیّ الهی و امر ایشان در میان ادیان سابق مثل و شبیهی نداشته است. همچنین می فرمایند که مقام مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء یکتا و بی سابقه است و هر چند ایشان مظهر ظهور نیستند ولی فاصله ای که حضرت مولی الوری را از جمال قدم و حضرت اعلیّ جدا می کند به مراتب کمتر از فاصله بین حضرت عبدالبهاء و سایر نفوس حتّی خود حضرت ولیّ امرالله است. ارتباط دائم و لاینفک بین مؤسسات ولایت و بیت العدل اعظم نیز از مطالب مورد توجه در دور بهائی است.^{۱۴}

در اینجا جا دارد ذکر نیز از بیانات حضرت ولیّ امرالله درباره نصوص و آثار مبارکه نمائیم. البته

ایشان به کرات اهمّیت مطالعه و تعمّق در آثار هیا کل مقدّسه را گوشزد احبّاء نموده‌اند و مثلاً در ظهور عدل الهی می‌فرمایند کسانی که قیام به تبلیغ می‌نمایند باید ادبیات امر را به دقّت مطالعه کنند، منتخباتی از ادعیه و آثار را حفظ نمایند، به اصول نظم اداری مسلط شوند، از پیشرفت‌های جدید امر مطلع باشند و اطلاعات درست درباره تاریخ و تعالیم نه تنها دیانت بهائی بلکه اسلام نیز داشته باشند. قسمتی از این اطلاعات لازم که خود هیکل مبارک در دسترس احبّاء گذاشته‌اند معرّفی و بیان اهمّیت مهمّ‌ترین آثار جمال مبارک و حضرت اعلیٰ است. مثلاً در کتاب قرن بدیع، کتاب‌های بیان، قیوم الاسماء، دلائل سبعة، کتاب اقدس، کتاب ایقان، کلمات مکنونه، هفت وادی، چهار وادی و کتاب عهد از جمله آثار است که هیکل مبارک به صورت موجز ولی جامع و با دید وسیع و نافذ معرّفی فرموده‌اند. هرکس مایل به مطالعه این کتاب‌ها باشد جا دارد که اوّل معرّفی حضرت ولیّ امر را بخواند و راهنمایی برای مطالعه بگیرد و به این نحو هم خود اثر را بهتر درک کند و هم ارتباط آن را با سایر آثار و با تاریخ امر و حال و آینده جهان دریابد.

ترجمه‌های انگلیسی حضرت ولیّ امرالله

حضرت ولیّ امرالله در هنگام تحصیلاتشان در دانشگاه آکسفورد در نامه‌ای به یکی از احبّای شرقی چنین مرقوم می‌فرمایند:

«الحمدلله در نهایت صحّت و امیدواری و سعی و اعتدال مشغول تحصیل لوازم و تهیّه اسباب خدمت این امر در مستقبل ایّام هستم... امیدم چنان است که آنچه جوهر محاسن این بلاد و این جامعه است بزودی کسب نموده به سر منزل خود مراجعت نمایم و حقایق امریّه را در قالبی جدید نهاده خدمتی به آستان مقدّس نمایم.»^{۱۵}

امّه البهائیه روحیه خانم می‌فرمایند: «شکّی نیست که [هیکل مبارک] پیوسته هدف اصلی زندگانی خود را ترجمه الواح و آثار مقرر فرموده بودند.»^{۱۶} و از نوجوانی «همیشه در این فکر و اندیشه به سر [می‌بردند] که چگونه بیانات مبارک را ترجمه کنند و چه وقت الواح مقدّسه را به السنّه خارجی درآورند.»^{۱۷} حضرت ولیّ امرالله به نحو احسن به این هدف نائل شدند و به این طریق هدایایی بسیار نفیس به عالم بهائی عرضه نمودند. ترجمه‌های مبارک از آثار چون کتاب ایقان، کلمات مکنونه، منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (*Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*) و تاریخ نبیل نه تنها برای بهائیان غیر ایرانی فوق العاده بالارزش و مهمّ است بلکه از نقطه نظر تبیین آیات برای احبّای فارسی‌زبان نیز حائز اهمّیت است.

حضرت ولیّ امرالله کار ترجمه آثار مبارکه از فارسی و انگلیسی را از زمانی که هنوز محصل بودند شروع فرمودند و از همان اوائل دوره ولایت به نشر ترجمه‌های آثار در عالم بهائی پرداختند. حدود یک

سال پس از صعود حضرت عبدالبهاء در توقیعی به محفل ملی امریکا چنین مرقوم می‌فرمایند:

«بی‌نهایت سبب خوشوقتی من است که ترجمه برخی از الواح و مناجات‌های حضرت عبدالبهاء را برای شما ارسال دارم. امید است که در مستقبل ترجمه‌های موثق و دقیق برایتان بفرستم. این سبب توسعه افکار یاران درباره عظمت امر جمال حضرت رحمن و حصول بصیرت در معانی و حقائق مودعه در کلمات الهیه خواهد شد.»^{۱۸}

البته این کار ترجمه در طی مدّت مدیدی از دوران ولایت یعنی تا سال ۱۹۴۱ ادامه داشت. ترجمه‌های حضرت ولی امرالله را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: الف- ترجمه کامل یک اثر. ب- ترجمه منتخباتی از آثار و نشر آنها به صورت مجموعه. ج- ترجمه منتخباتی از آثار در ضمن توفیعات مبارکه. د- ترجمه کتاب تاریخ نبیل. جا دارد مختصری درباره هریک از گروه‌ها صحبت کنیم.

الف- اول ترجمه یک کتاب یا لوح به صورت کامل و مستقل است که در این میان می‌توان از کتاب ایقان، لوح این ذنب و کلمات مکتونه به عنوان نمونه‌های برجسته اسم برد. پس از کتاب مستطاب اقدس این سه اثر جزء مهم‌ترین آثار جمال مبارک بشمار می‌آیند و اهمیت ترجمه و نشر آنها بدیهی است. علاوه بر آنها الواح دیگری هم هست که اگرچه کوتاه‌ترند ولی توسط هیکل مبارک ترجمه و به صورت جداگانه توزیع گردیده‌اند از جمله اصل کلّ الخیر از قلم اعلیٰ و لوح دکتر فورد از آثار حضرت عبدالبهاء.

ب- گروه دوم ترجمه منتخباتی از آثار و نشر آنها به صورت یک مجموعه است که مهم‌ترین اینها *Gleanings* (منتخباتی از الواح جمال اقدس ابهی) و *Prayers and Meditations* (مناجات) است. در سال‌های اخیر اصل آثار ترجمه شده در این دو مجموعه جمع‌آوری و به صورت مجموعه‌هایی به زبان نزولی منتشر گردیده و در دسترس یاران فارسی‌زبان است. همچنین در سال ۱۹۸۴ جناب دکتر وحید رأفتی فهرستی از مآخذ الواحی که در *Gleanings* ترجمه شده تهیه نموده و در ضمن مقاله‌ای در مجله عندیب آن را در اختیار احباء گذاشته‌اند. چنانچه در اول مقاله مزبور می‌نویسند: «نگاهی سریع به مندرجات کتاب نشان می‌دهد که حضرت ولی امرالله نصوصی از اولین تا آخرین آثار نازله از جمال قدم را که خطاب به افراد بهائی و غیر بهائی، به السنه فارسی و عربی، عزّ نزول یافته در کتاب گلینینگز جمع‌آوری فرموده‌اند.»^{۱۹} این مجموعه امهات مطالب مطروحه در آثار جمال قدم را ولو به اختصار در بردارد و بنا بر این عصاره اعتقادات و تعالیم دیانت بهائی را به خواننده عرضه می‌کند. در اکثر موارد فقط قسمت‌هایی از الواح مختلفه در این کتاب ترجمه شده و ترتیب آنها به نظر می‌آید مبنی بر مطلب مورد بحث باشد. مثلاً می‌بینیم که چند قسمت مختلف از یک لوح ترجمه شده ولی در *Gleanings* پشت سرهم نیامده بلکه هر قسمتی در جایی از مجموعه دیده می‌شود از جمله منتخباتی از لوح سلمان، لوح هادی، لوح مقصود، سوره ملوک، کلمات مکتونه، کتاب ایقان و کتاب اقدس در ارتباط با مطالب قبل و بعد تحت شماره‌های مختلف عرضه گردیده است. علاوه بر این الواحی مهم از قبیل الواح صیام، لوح رضوان،

لوح کرمل و لوح حج نیز در این مجموعه موجود است.

کتاب *Prayers and Meditations* را می‌توان از جهتی مکمل *Gleanings* بشمار آورد. *Gleanings* مجموعه آیات الهی است و *Prayers and Meditations* مجموعه ادعیه و مناجات‌های جمال مبارک و شامل صورت صلوات صغیر، وسطی و کبیر، صلوات میت، ادعیه صیام، ایام هاء و نوروز، دعا‌های خروج از بیت، ادعیه شفا و بیش از ۱۵۰ دعا و مناجات دیگر می‌باشد. اصل این ادعیه که اغلبشان به عربی است نیز جمع آوری و در سال ۱۹۸۲ تحت عنوان مناجاة به چاپ رسیده است. مأخذ بیشتر مناجات‌های جمال مبارک که در کتاب‌های مناجات به زبان انگلیسی می‌خوانیم همین کتاب است.

ج- گروه سوّم ترجمه‌هایی است از آیات حضرت بهاء‌الله، حضرت نقطه اولی و حضرت عبدالبهاء که به مناسبت‌های مختلف در متن توقیعات حضرت ولیّ امرالله نقل شده. اغلب توقیعات عمومی مبارک شامل چنین فقراتی می‌باشد. در بعضی موارد حضرت ولیّ امر در ضمن بیان مطلبی یکی از بیانات مبارک را شاهد می‌آورند و سپس به بیان مطلب ادامه می‌دهند. تعداد این موارد البته بسیار است و حتی مطالعه اجمالی توقیعات مبارکه مثلاً در نظم جهانی بهائی نمونه‌های فراوان به دست خواهد داد. غیر از این در بعضی از توابع، هیکل مبارک چندین صفحه را به نقل بیانات مبارکه اختصاص داده‌اند و در عمل در متن توقیع مجموعه‌ای از بیانات هیا کل مقدسه درباره موضوعی خاصّ بوجود می‌آورند. برای مثال در قد ظهر یوم المیعاد صفحات متعددی به ترجمه منتخباتی از الواح سلاطین اختصاص داده شده که البته انتخاب این الواح به مناسبت ارتباطشان با مطلب مورد بحث یعنی عکس العمل ملوک و سلاطین به ندای حضرت بهاء‌الله و نتایج آن است. به هر حال اینجاست که برای اولین بار این الواح به زبان انگلیسی در دسترس عامه اهل بهاء قرار گرفته است. همینطور در ظهور عدل الهی هیکل مبارک پس از انداز جامعه بهائی امریکا به امتحانات و مشکلاتی که در پیش است می‌فرمایند که بهترین مساعدت اینست که منتخباتی از بیانات جمال مبارک را که قبلاً ترجمه و منتشر نشده بوده در این توقیع ارائه فرمایند. این آثار که بیش از ۱۰ صفحه را تشکیل می‌دهد حقیقتاً الهام‌بخش و مایه تشویق و تشجیع روحانی است و حاوی مطالب متنوعی است از جمله مقام و مرتبه مؤمنین واقعی، عظمت و جلال این ظهور، مقام این یوم که یوم‌الله و یوم موعود است، اهمّیت تبلیغ و دفاع از امرالله و مژده پیروزی و ظفر روحانی. شاید بتوان این گروه ترجمه‌ها را از جهتی پیشرو مجموعه‌هایی از آثار و الواح (compilations) دانست که در سال‌های اخیر درباره مطالب مختلف از طرف دارالتحقیق بیت العدل اعظم تهیه و منتشر گردیده است. ترجمه‌های حضرت ولیّ امرالله و این مجموعه‌ها هر دو چه از جهت تشویق و الهام بخشیدن به خواننده و چه از جهت جمع آوری منابع مهمّ برای کمک به تزئید معلومات و تحقیقات در آثار امری اهمّیت بسیار دارند.

ج- قسمت چهارم شامل فقط یک اثر است یعنی مطالع الانوار یا تاریخ نیل. اگرچه قبلاً هم اشاره به این کتاب نمودیم ولی جا دارد باز هم از آن ذکر بکنیم. در ترجمه آثار و نصوص مبارکه بدیهی است که مطابقت ترجمه با اصل در درجه اول اهمّیت است. در ترجمه تاریخ نیل وفاداری به اصل البته رعایت

شده ولی موجودیت فعلی آن مدیون قوهٔ خلاقهٔ حضرت ولیّ امرالله است که نه تنها آن را به زبانی جدید ترجمه نمودند بلکه به آن قالبی نو و هیئت بیحدی فرمودند. تأثیر طرز فکر حضرت ولیّ امرالله در سراسر کتاب نمایان است و سبک نگارش و بیان مطلب و انتخاب لغات مخصوص هیکل مبارک است. ملحقات کتاب نیز که هیکل مبارک با کمال دقت به آن اضافه نموده‌اند همگی نمودار دید وسیع علمی و تاریخی ایشان است. علاوه بر متن کتاب، تاریخ نیل شامل یادداشت‌های پاورقی متعدّد به انگلیسی و فرانسه است که حاصل مطالعه و تحقیق مبارک در بیش از ۵۰ جلد کتاب است. این یادداشت‌ها منابع تاریخی دیگر را برای تأیید قول جناب نیل، توسعه و تکمیل مطالب و یا ارائهٔ نظریات دیگر به کار می‌برد و در نتیجه به سندیت و اعتبار کتاب می‌افزاید. از آنجا که بسیاری از این منابع بعد از نگارش اصل تاریخ نیل نوشته شده است اطلاعات مأخوذ از آنها کتاب را با جدیدترین اطلاعات موجود در دورهٔ حضرت ولیّ امر مطابق می‌سازد. علاوه بر این مطالع الانوار شامل بیش از ۱۵۰ عدد عکس از اماکن تاریخی مهمّ در ایران است که بعضی از آن اماکن بعداً خراب شده یا تغییر پذیرفته و بنا بر این، این عکس‌ها نه تنها کتاب را جالب تر می‌نماید بلکه مدارک تاریخی مهمّ نیز هست. در ضمن در اوّل کتاب عکس‌های رنگی بسیار نفیس و زیبایی از توقیعات حضرت اعلیٰ خطاب به من یظهره الله و حروف حیّ و همچنین عکسی از داخل مقام مقدّس اعلیٰ موجود است که منحصر به فرد و بی‌نظیر است. شجره‌نامهٔ حضرت اعلیٰ به خطّ خود حضرت ولیّ امرالله و ضمیمه‌های متعدّد (appendix) در آخر کتاب آن را بیش از پیش قابل استفاده می‌نماید.

حضرت ولیّ امرالله مطالعهٔ کتاب مطالع الانوار را مکرراً به احباء توصیه می‌فرمودند و در دو توقیع که بعد از نشر کتاب مرقوم شده می‌فرمایند که احباء باید کتاب ایقان، تاریخ نیل و مفاوضات حضرت عبدالبهاء را مطالعه کنند و به آنها چنان تسلط پیدا کنند که بتوانند محتوای این آثار را برای دیگران شرح دهند. همینطور می‌فرمایند که تاریخ نیل معین احباء در کار تبلیغ، منبع الهام و تقویت روحانی و وسیلهٔ مقابله با حملات است.

سبک ترجمه و نگارش حضرت ولیّ امرالله

حال جا دارد که ذکر از سبک ترجمه و نگارش حضرت ولیّ امرالله بنمائیم. از بسیاری از احباء اگر پرسیم که شیوهٔ نوشته‌های هیکل مبارک چگونه است جواب خواهند داد که بسیار عالی ولی بسیار مشکل است ولی همین سؤال را اگر دربارهٔ ترجمه‌های مبارک بکنیم جواب احتمالاً اینست که بسیار عالی و در عین حال روان و قابل فهم است. با قسمت اوّل هر دو جواب البته بحثی نیست چون حقیقتاً سبک انشاء مبارک فوق العاده زیبا و شیوا و در حدّ کمال است ولی اگر در توقیعات و ترجمه‌های مبارک به دقت نظر کنیم می‌بینیم که درست نیست که یکی را مشکل و دیگری را آسان قلمداد کنیم چه که هر دو در چهارچوب هدف خود از مبانی مشترکی پیروی می‌کنند و به اصول مشترکی پای‌بندند که در اینجا

تحت چهار عنوان می‌توان آنها را بررسی نمود: الف- درستی و دقت در سخن. ب- وفاداری به نصوص مبارکه. ج- زیبایی و هماهنگی کلام. د- اتکاء به مشورت و همکاری.

الف- دقت در سخن و انتخاب کلمات یکی از صفات بارز نوشته‌های حضرت ولیّ امرالله است. بنا به گفته حضرت امة البهاء روحیه خانم هیکل مبارک قدر کلمات را می‌دانستند و هریک را در محلّ و معنای خود به کار می‌بردند. ایشان مانند هنرمندی بودند که کلمات را مثل قطعات خاتم به دقت کنار هم قرار می‌دادند و آنقدر جابجا می‌کردند تا هر قطعه در محلّ معین جا بیفتد و تصویری را که در ذهن مبارک بود ظاهر کند. به قول حضرت خانم: «حضرت ولیّ امرالله هیچگاه آثار خود را به سطح دانش کم خوانندگان آثار خود پائین نمی‌آوردند» بلکه متوقع بودند آنان که تشنه حقائقند بر [دانش خود بیافزایند].^{۲۰} در نتیجه می‌بینیم که هیکل مبارک گاهی در ترجمه‌ها کلماتی به ظاهر مشکل و حتی نامأنوس به کار می‌برند ولی مراجعه به کتاب لغت نشان می‌دهد که کلمه مورد مصرف به بهترین و دقیق‌ترین وجه معنای کلمه در زبان اصلی را می‌رساند و در مواردی که اصل را ممکن است چند نوع بخوانند یا چند نوع معنی کنند ترجمه مبارک معنی درست را معلوم می‌کند.

در نوشته‌های خود ایشان هم همین دقت به کار رفته مخصوصاً که هریک از آثار ایشان به نوبه خود جوهر الجواهر است یعنی عصاره مطلب در آن به نحو مختصر و خلاصه بیان شده بطوری که اغلب حتی اگر یک کلمه جابجا شود معنی جمله عوض می‌شود یا به کلی از دست می‌رود. بنا بر این بعضی از جملات مبارک ممکن است بلند و پیچیده باشد ولی هیچوقت بیهوده دراز یا مبهم نیست. مثلاً در نظم جهانی بهائی صحبت از سقوط دستگاه خلافت اسلام است و هیکل مبارک چنین می‌فرماید:

«بلی دستگاهی که از اول، حق مقدّس جانشینی رسول خدا را زیر پا نهاد، و نیروهای ناهنجار تشعب و تفرقه را به کار انداخت، و در یوم موعود به آئین الهی که مبشرش از نسل همان امامی بود که در قرون گذشته خلفاء حقش را غضب کرده بودند لطمه شدید وارد ساخت، چنین دستگاهی مستحقّ بود که به مجازاتی برسد که رسید و به نابودیش انجامید.»^{۲۱}

این جمله با اینکه نسبتاً مفصل و پیچیده است ولی هر جزئی از آن برای بیان مطلب لازم و به بقیه اجزاء مربوط است. تقسیم جمله به سه چهار جمله کوتاه تر نه تنها فهم مطلب را آسان تر نمی‌کند بلکه بالعکس باعث می‌شود که ارتباط وقایع مورد بحث به این دقت معلوم نشود. در عین حال بر خلاف تصوّر عموم توقعات مبارک فقط متشکل از جملات طویل نیست بلکه چنانچه حضرت امة البهاء در گوهر یکتا می‌نویسند: «گاهی هم مشاهده می‌شود که جملات کوتاه پی در پی مرقوم فرموده‌اند که وقتی درست بخوانند مانند ضربات تازیانه صدادر است.»^{۲۲} به عبارت دیگر سبک نگارش مبارک ترکیبی است از عناصر مختلف که هریک به اقتضای مطلب در جای مناسب مورد استفاده قرار گرفته است. خود هیکل مبارک گاهی توجه حضرت حرم را «بدین اسلوب بدیع خود جلب فرموده می‌فرمودند که هر کدام در

مقام خود مؤثر است و ترکیب این دو اسلوب با یکدیگر خواننده را به مقصد نهائی می‌رساند.^{۲۳}

ب- خصوصیت دیگر ترجمه‌ها و آثار حضرت ولیّ امر وفاداری به اصل نصوص است. البتّه این یکی از اصول ابتدائی و مهمّ ترجمه است و ارتباط مستقیم با نکته قبل یعنی دقت در انتخاب کلمات درست و مناسب دارد. هدف از ترجمه در درجه اولی انتقال معانی و مفاهیم اصل بیان است. در هر زبان تعدادی کلمات هستند که معنی معین و محدودی دارند که می‌توان معادل دقیق آن را در هر زبان دیگری به آسانی پیدا کرد مثلاً "میز"، "درخت"، "کاغذ"، "زن"، "مرد" و غیره. ولی کلمات دیگری نیز هستند که معانی دقیق آنها با فرهنگ و شرایط زندگی و محیط هر کشور توأم و وابسته است و بنا بر این ترجمه آنها به زبان دیگر مستلزم اطلاع کامل نه تنها از هر دو زبان بلکه از هر دو فرهنگ و جامعه می‌باشد. مثلاً می‌گویند که در زبان اسکیموها ده‌ها کلمه برای "برف" وجود دارد یا در عربی کلمات متعدّد برای "شتر" موجود است. بالاخره وقتی صحبت از کلماتی است که با عواطف و احساسات و افکار و مجرّدات سرو کار دارند (کلماتی مانند "عشق"، "روح"، "عدل"، "زیبایی" و غیره) کار باز مشکل تر می‌شود چه که هر یک از اینها در زبان اصلی هم معانی مختلف و مفاهیم ضمنی دارد که در موقع ترجمه، اول باید دید کدام مفهوم مورد نظر است و بعد در زبان دیگر کدام کلمه همان مفهوم را دارد. حضرت ولیّ امرالله بی‌نهایت می‌کوشیدند تا در هر مورد بهترین کلمه‌ای را که درست و به دقت معنای اصلی را می‌رساند مرقوم فرمایند. این کار مخصوصاً در ترجمه الواح عرفانی بسیار مشکل و در بعضی موارد تقریباً غیر ممکن است و خود حضرت ولیّ امرالله به حرم مبارک فرموده بودند: «برخی از الواح مبارک است که هرگز درست ترجمه نخواهد شد زیرا در هر یک از آن الواح آنقدر استعارات و صنایع بدیعه ادبیه به کار رفته که ترجمه، همه آنها را از بین می‌برد.»^{۲۴} البتّه چون هیکل مبارک مبین آیات بودند نقش ایشان به عنوان مترجم با هر مترجم دیگری فرق دارد و ما می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که ترجمه‌های مبارک نه تنها صحیح است بلکه در مواردی که از خواندن اصل ممکن است ابهام در ذهن خواننده بوجود آید ترجمه مبارک معنای واقعی و دقیق مطلب را می‌رساند.

در نوشته‌های خود حضرت ولیّ امرالله نیز این اصل وفاداری به اصل رعایت شده به این مفهوم که ایشان تمامی بیانات خویش را مستند به نصوص و آثار هیاکل مقدّسه امر می‌فرمایند و در این کار سرمشقی به نویسندگان بهائی می‌دهند. حضرت ولیّ امرگاهی فقط دو سه کلمه از یکی از نصوص را در جمله خود نقل می‌کنند و به این وسیله استناد بیان خود بر کلمه الهی را آشکار می‌سازند و گاهی بخشی مفصّل تر از آثار مبارکه را نقل فرموده و علاوه بر استفاده از آن برای اثبات موضوع مورد بحث به توضیح و تشریح و احیاناً تبیین آن نیز می‌پردازند. مثلاً در جایی صحبت از حقایق جمع ادیان است و حضرت شوقی افندی چنین می‌فرماید: «حقایق دینی امری نسبی است نه مطلق و آئین یزدانی تجدیدپذیر است نه جامد و نهائی... تمام ادیان اساسشان الهی است، هدفشان واحد است، هر یک مکمل دیگری است...» بعد بیان حضرت بهاءالله در کتاب ايقان را نقل می‌فرمایند که «اگر به نظر لطیف ملاحظه فرمایی همه را در

یک رضوان ساکن بینی و در یک هوا طائر و بر یک بساط جالس و بر یک کلام ناطق و بر یک امر آمر، سپس خود حضرت ولیّ امرالله دوباره مطلب را ادامه داده می‌فرمایند: «ملاحظه فرمائید که حضرت بهاءالله خود به تجدید شرایع آسمانی... اشاره می‌فرماید.»^{۲۵}

ج- خصوصیت دیگر نوشته‌های مبارک زیبایی و هماهنگی کلام است که هم در توقیعات و هم در ترجمه‌ها به چشم می‌خورد. لازم به توجه است که در ترجمه حفظ زیبایی کلام در عین وفاداری به اصل معنی کار مشکلی است چه که به علت تفاوت در دستور زبان و روش ترکیب کلمات در زبان‌های مختلف گاهی آنچه در یک زبان زیبا و نمونه بهترین سبک نگارش بشمار می‌آید اگر عیناً ترجمه شود زشت و حتی بی‌معنی خواهد شد. در نتیجه مترجم باید به اصول نگارش و سبک‌های ادبی هر دو زبان مسلط باشد تا ترجمه هم مفهوم اصل را درست منتقل کند، هم طبق اصول دستوری باشد، و هم در نوع خود همانقدر زیبا و دلنشین و مؤثر باشد که اصل متن بوده است. هیکل مبارک در این کار موفقیت چشمگیر حاصل فرموده‌اند. عکس العمل خوانندگان غیر بهائی به ترجمه کتاب مطالع الانوار شاهد بر این مطلب است. دکتر آلفرد مارتین (Alfred Martin) «سلامت بیان و شیرینی و عذوبت کلام» مبارک را تمجید می‌نماید و مستشرق شهیر سر دنیسون راس (Sir Denisson Ross) چنین می‌نویسد: «اسلوب نگارش به حدی اعلیٰ است که بهتر از این ممکن نیست به نحوی که در حین قرائت کسی باور ندارد که ترجمه است... هدف شما در موقع ورود به دانشگاه آن بود که تسلط کامل بر زبان انگلیسی یابید، این هدف به نحو اکمل و اتم انجام یافته.»^{۲۶}

البته زیبایی سخن حضرت ولیّ امرالله و دبعه الهی است ولی شاید بتوان سبک انگلیسی ایشان را تا حدی نیز تجزیه و تحلیل نمود. ایشان بنا به گفته حضرت حرم اصولاً به نگارش عشق می‌ورزیدند و در این کار «خلاقیت و بدعیت و ابتکار و ذوقی بی‌مثل و مانند داشتند.»^{۲۷} فارسی و عربی را البته در ظلّ توجهات حضرت عبدالبهاء به نحو احسن آموخته بودند و بعداً با جدّیت و پشتکار تمام در زبان انگلیسی نیز به کسب کمال موفق گردیدند. از ایام نوجوانی تا اواخر حیات «عادشان آن بود که لغات زیبا و اصطلاحات و عبارات شیوا [به زبان انگلیسی] را یادداشت می‌فرمودند... و این خود شاهدهی است ناطق که با چه شور و حرارتی و انضباط و اسلوب معینی دائماً می‌کوشیدند که تسلط کامل به زبان یابند.»^{۲۸} مخصوصاً که زبان انگلیسی را بی‌نهایت دوست داشتند و از مطالعه آن لذت می‌بردند. کتاب مقدس (King James' Bible) و آثار مورّخین نامدار کارلایل (Carlyle) و گیبن (Gibbon) از کتاب‌های محبوب ایشان بود و مخصوصاً به کتاب انحطاط و سقوط امپراطوری رم اثر گیبن بسیار علاقه داشتند و قدرت و تسلط نویسنده و فصاحت و زیبایی جملات آن را تحسین می‌فرمودند. تأثیر اسلوب نگارش گیبن در آثار حضرت ولیّ امرالله آشکار است و همینطور تأثیر کتاب مقدس در ترجمه‌های الواح و مناجات‌ها و کلمات مکنونه. ولی در عین حال تأثیر زبان و ادبیات فارسی و عربی نیز در نوشته‌های انگلیسی مبارک عیان است. مثلاً جناس لفظی (alliteration) در فارسی و عربی بسیار معمول و در صورت کاربرد بجا از

علامات زیبایی سبک بشمار می‌رود. برای نمونه هیکل مبارک در توقیع ۱۰۸ بدیع می‌فرمایند که رمس مطهر حضرت اعلیٰ «در مقابل قبله اهل بهاء و روضه مبارکه علیاء مطاف ملا اعلیٰ مدینه منوره بیضاء آرمیده» در اینجا دو نوع تجانس حروف به چشم می‌خورد. یکی تکرار حرف میم در اول کلمات «مقابل»، «مطاف»، «ملا» و «مدینه منوره» است و دیگری نوعی قافیه در آخر هر قسمت از جمله: «بهاء»، «علیاء»، «اعلیٰ» و «بیضاء». هیکل مبارک مشابه این صنایع ادبی را در انگلیسی نیز به کار می‌برند و به این وسیله آهنگ اصل نصوص را به ترجمه‌ها منتقل نموده و در آثار خویش نیز بوجود می‌آورند. استفاده از تشبیهات و استعارات نیز از خصوصیات سبک مبارک است که می‌توان تأثیر ادبیات شرقی را در آن دید. مثلاً در آثار مبارکه به فارسی عباراتی چون «روضه قلب»، «گل عشق»، «سفینه میثاق»، «طوفان نقض»، «شعله ایمان» و نظیر آنها بسیار بر می‌خوریم. حضرت ولی امرالله در انگلیسی نیز چنین تشبیهاتی را به کرات به کار می‌برند و علاوه بر این از تشبیهات مفصل تر (extended metaphors) نیز استفاده می‌کنند مثلاً درباره امر مبارک می‌فرمایند: «این گوهر الهی که هنوز در عالم جنین است البته در صدف تعالیم و احکامش نشو و نما خواهد جست».^{۲۹} یا اینکه دردهای عالم «علامت آنست که زمان وضع حمل جهان فرارسیده و نوزادی در شرف تولد است».^{۳۰} که آن نظم جهانی بهائی است. حتی طرز انشاء مبارک نیز بنا به فرموده حضرت امة البهاء طبق رویه شرقی بود یعنی همانطور که منشآت فارسی و عربی را مرّجح است که با صوت و لحن خوش و موزون خواند حضرت ولی امرالله نیز «در موقع تحریر، کلمات را به صدای بلند [ادا فرموده و مرقوم می‌فرمودند...] بدین جهت است که حتی اگر جملات بلند ایشان را با صدای رسا بخوانند معنی کاملاً واضح و سیال بودن جملات کاملاً مشهود می‌گردد».^{۳۱} بطور خلاصه زیبایی و شیوایی آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله مدیون تسلط ایشان به هر سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی است.

د- بالاخره می‌توان به صفت دیگری در آثار مبارکه ایشان اشاره کرد و آن فروتنی و خضوع و اتکاء به همکاری است. اگرچه از طرفی بیانات مبارک بسیار مهیمن و در بعضی موارد حتی شاید شدید است ولی این در مقام ولایت امر و تبیین آیات الهی است ولی تواضع و فروتنی هیکل مبارک در روابط شخصی و انفرادی با اجباء در آثارشان نیز مشهود است چه که تقریباً هیچگاه به نقش خویش در استقرار نظم اداری و استحکام بنای مؤسسات امری اشاره نمی‌فرمایند و همه پیروزی‌های امر در عصر تکوین را به پیروان اسم اعظم نسبت می‌دهند. امضای مبارک در پایان توقیعات فارسی «بنده آستانش شوقی» است یعنی بنده آستان حضرت عبدالبهاء و در توقیعات انگلیسی "Your true brother, Shoghi" یعنی «برادر حقیقی شما، شوقی» و در هر دو مورد به تناسب با فرهنگ و انتظارات مخاطبین خضوع و فروتنی خود را آشکار می‌فرمایند.

در مورد ترجمه هم این صفات به نوع دیگری آشکار است به این معنی که با وجودی که هیکل مبارک مبین آیات و صاحب اختیار کامل در ترجمه بودند ولی باز هم اصل مشورت را در این کار به

مرحله عمل می‌گذاشتند. برای مثال سال‌ها ترجمه‌ها و نوشته‌های خویش را برای جورج تاونزند (George Townshend) که تسلط و آگاهی او به زبان انگلیسی را بسیار تحسین می‌فرمودند می‌فرستادند و در یکی از نامه‌های خود به ایشان می‌فرمایند: «از پیشنهادهای ذی‌قیمت، مفصل و دقیق شما بی‌نهایت ممنونم.»^{۳۲} دیگر مترجمین بهائی را نیز تشویق می‌نمودند که در کار ترجمه همکاری و مشورت کنند و از متخصصین زبان کمک بطلبند. این البته روشی است که بیت العدل اعظم نیز آن را ادامه داده‌اند. برای نمونه چنانکه اطلاع دارید ترجمه کتاب مستطاب اقدس توسط هیئتی از مترجمین و محققین عربی و انگلیسی زبان انجام گردیده است.

ترجمه‌های انگلیسی حضرت ولی امرالله میزان ترجمه آثار به سایر زبان‌هاست یعنی ترجمه نصوص و الواح به زبان‌های دیگر مستقیماً از فارسی یا عربی صورت نمی‌گیرد بلکه بر مبنای ترجمه انگلیسی این آثار می‌باشد. دلیل این کار به نظر می‌آید این باشد که چون حضرت ولی امرالله بنا بر الواح وصایای حضرت عبداله‌ء "مبین آیات الله" هستند بنا بر این ترجمه‌های ایشان فقط ترجمه نیست بلکه وسیله‌ای برای توضیح و در صورت لزوم تبیین بیانات مبارکه است. چنانکه قبلاً هم ذکر شد هیکل مبارک با انتخاب دقیق کلمات معنی واقعی و مورد نظر در اصل آثار را آشکار می‌کنند. در مواردی که ممکن است ابهام یا سؤالی در ذهن خواننده از مطالعه اصل بوجود آید، خواندن ترجمه مبارک ابهام را زائل می‌نماید، سؤال را جواب می‌دهد، و از هرگونه سوء تفاهم یا خدای نکرده اختلاف نظر جلوگیری می‌کند. برخی محققین بهائی درباره اصولی که ترجمه‌های مبارک بر طبق آن بنا شده تحقیقاتی کرده‌اند و از جمله خانم داینا مألوف (Diana Malouf) چهار اصل را در ترجمه‌های مبارک شناسایی کرده‌اند (Vision of Shoghi Effendi):

الف- اصل اول استفاده از لغات و عباراتی است که مناسب کلام الهی باشد و لحن آیات را در ترجمه نیز حفظ نماید. برای نیل به این هدف هیکل مبارک سبکی شبیه به ترجمه‌های قرآن در قرن نوزدهم اتخاذ فرمودند. برای مثال، اول کلماتی را که مربوط به ذات الهی یا مظهر ظهور است با حرف بزرگ می‌نویسند و صورت قدیمی ضمیرهای شخصی و افعال را به آن نحو که در ترجمه‌های کتاب مقدس استفاده شده به کار می‌برند. مثلاً در کلمات مکتونه عربی (شماره ۴) که می‌فرمایند: «احببت خلقک فخلقک فاحببنی» عبارت "فاحببنی" را ترجمه فرموده‌اند "do thou love Me" که "thou" در انگلیسی قدیمی به معنی "تو" (در مقابل "شما") بوده و "Me" هم چون از لسان خداوند است با M بزرگ نوشته شده.

ب، ج- دو اصل دیگری که مورد نظر مبارک بوده یکی زیبا نمودن ترجمه است و دیگری خوش آهنگ کردن آن که البته هدف هر دو آنست که بتوان حالت و آهنگ اصل را در ترجمه نیز احساس نمود. رمز این کار اینست که در عین حال که کلمات مورد استفاده در ترجمه معنی اصل را می‌رساند ولی بنا به قواعد زیبایی‌شناسی و نگارش ادبی در زبان انگلیسی نیز، هم صحیح و هم شیوا و دلنشین باشد و البته رسیدن به این مقصد بستگی به ذوق ادبی مترجم دارد. یک نمونه بسیار زیبا ترجمه لوح مبارک است که

مطلع آن اینست: «ای بلبلان الهی از خارستان ذلت به گلستان معنوی بشتابید.»^{۳۳} اصل این لوح فوق العاده زیبا و به قول معروف شاعرانه است و ترجمه آن اگر تحت اللفظی باشد ممکن است عجیب و نامأنوس به نظر بیاید ولی ترجمه هیکل مبارک هم معانی اصلی را حفظ می‌کند و هم در زبان انگلیسی همان نوع زیبایی و حالت ادبی را بوجود می‌آورد. مثلاً در فارسی می‌فرمایند: «چه شب‌ها که رفت و چه روزها که درگذشت و چه وقت‌ها که به آخر رسید و چه ساعت‌ها که به انتها آمده.» ترجمه این جمله کلمه به کلمه عین اصل نیست ولی به انگلیسی همانقدر شیوا و روان است و همان آهنگ و وزنی را دارد که اصل آن به فارسی داراست:

"Night hath succeeded day, and day hath succeeded night, and the hours and moments of your lives have come and gone."^{۳۴}

د- اصل آخر در ترجمه‌ها روشن کردن و تبیین معنی اصل است که البته تأسی به حضرت ولی امرالله در این کار مشکل بلکه غیر ممکن است چون اختیار و قابلیت تبیین مختص هیکل مبارک می‌باشد. اما به هر حال مقایسه ترجمه‌های مبارک با اصل نصوص برای مترجمین بهائی مفید و لازم است چون بسیاری لغات هست که می‌توان به انحاء مختلف ترجمه نمود و ملاحظه اینکه هیکل مبارک هر یک را در موارد مختلف چگونه ترجمه فرموده‌اند نمونه و الگویی ارائه می‌کند که دیگران می‌توانند به آن تأسی کنند. مثلاً کلمه "قدرت" را به انگلیسی می‌توان "Power"، "Strenght" یا "Might" ترجمه نمود و اینکه کدام کلمه را به کار بریم بستگی به مطلب و زمینه اطراف آن دارد. جناب حبیب طاهرزاده از مترجمین طراز اول آثار مبارکه نوعی لغت‌نامه تهیه کرده‌اند که در آن بسیاری کلمات و اصطلاحات امری و ترجمه‌های حضرت ولی امر از هر یک جمع آوری شده. نسخه‌ای از این مجموعه در مرکز جهانی موجود است ولی تا جایی که اطلاع دارم چاپ نشده است.

قبل از اینکه سخن درباره ترجمه‌های حضرت ولی امرالله را خاتمه دهیم جا دارد که به دو نمونه کوتاه از این ترجمه‌ها که حالت تشریح و تبیین دارند نظری بیافکنیم. نمونه اول لوحی است با مطلع «ای بندگان سزاوار اینکه در این بهار جانفزا از باران نیشان یزدانی تازه و خرم شوید.»^{۳۵} در اواسط لوح جمال مبارک می‌فرمایند: «آغاز و انجام جنبش و آرام آشکار امروز آغاز در انجام نمودار و جنبش از آرام پدیدار.» در خواندن اصل ممکن است سؤال پیش آید که آیا باید خواند «آغاز و انجام جنبش و آرام» یا «آغاز و انجام، جنبش و آرام» و در هر صورت منظور چیست. ترجمه مبارک به هر دو سؤال پاسخ می‌دهد:

"He Who is both the Beginning and the End, He Who is both Stillness and Motion is now manifest before your eyes. Behold how, in this Day, the Beginning is reflected in the End, how out of Stillness Motion hath been engendered."^{۳۶}

در درجهٔ اوّل ترجمه نشان می‌دهد که قرائت درست «آغاز و انجام، جنبش و آرام» است. علاوه بر این اضافه کردن چند کلمه در ترجمه معنی اصل را صریح و واضح می‌نماید و نشان می‌دهد که کلمات «آغاز... انجام... جنبش... آرام» مفهوم تجریدی (abstract) ندارد بلکه اشاره به ظهور کَلَمِی الهی است چه که می‌فرمایند: "He who is..." و در واقع مقصود بیان ظهور جمال مبارک است. در جملهٔ بعد هم ترجمه معنی اصل را واضح تر می‌کند چه که «جنبش از آرام پدیدار» مفهوم نسبتاً کَلَمِی دارد در حالیکه "out of Stillness Motion hath been engendered" تصریح می‌نماید که جنبش از آرام بوجود آمده یا تولید شده است.

این مثال بیشتر نمایانگر اینست که ترجمه‌های مبارک چگونه مطالبی را توضیح می‌دهد و فهم آن را آسان تر می‌کند. مثال بعدی نشان دهندهٔ قوّهٔ تبیین ترجمه‌هاست. قسمتی از کتاب اقدس که توسط حضرت ولیّ امرالله ترجمه شده چنین است: «قد اضطرب النّظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه»^{۳۷} قبل از اینکه هیکل مبارک این بیان را ترجمه فرمایند کسی بطور حتم نمی‌دانست که «هذا النظم الاعظم» اشاره به چیست یا منظور از «هذا البدیع» چه می‌باشد. ترجمهٔ مبارک همراه با توضیحاتشان در سایر توقیعات معنی این عبارات را تبیین می‌نماید، ترجمه چنین است:

"The world's equilibrium hath been upset through the vibrating influence of this most great, this new World Order. Mankind's ordered life hath been revolutionized through the agency of this unique, this wondrous System---the like of which mortal eyes have never witnessed."³⁸

می‌بینیم که ترجمهٔ کلمه به کلمه نیست و در ترجمه کلماتی وجود دارد که به نظر می‌آید به معنی اصل چیزی افزوده است. در حالیکه چنین نیست و حضرت ولیّ امرالله از خود چیزی نیافزوده‌اند بلکه مقصود و منظور جمال قدم را بیان نموده یعنی وظیفهٔ خود را به عنوان مبین آیات انجام داده‌اند. «قد اضطرب النّظم من هذا النظم الاعظم» اولاً کلمهٔ «نظم» دو نوع مختلف ترجمه شده: «نظم» اوّل را «world's equilibrium» و «نظم» دوّم را «new World Order» ترجمه فرموده‌اند. در توقیعات دیگری می‌فرمایند این نظم بدیع جهانی همان «نظم بهاءالله» است که حضرت اعلیٰ در بیان فارسی به آن اشاره می‌فرمایند و همچنین نظم اداری بهائی بمنزلهٔ «هستهٔ نظم بدیع الهی» و «الگوی کامل» آن به شمار می‌رود و اساس بنیان این نظم بدیع است که در آینده به مرحلهٔ بلوغ خواهد رسید.^{۳۹} در جملهٔ بعد «هذا البدیع» ترجمه شده "this unique, this wondrous System" و بنا بر این معلوم می‌شود که این سیستم جدید و بی‌مثل و نظیر نیز اشاره است به نظم بدیعی که مؤسّسش جمال مبارکند.

می‌بینیم که ترجمهٔ حضرت ولیّ امرالله از تنها یک بند از کتاب اقدس چه اهمّیتی برای فهم نظم جهانی

بهائی و در نتیجه درک هدف و آینده امر دارد. پس می توان قیاس کرد که ترجمه های مبارک از ده ها کتاب و لوح و دعا و مناجات حائز چه ارزش و اهمّیت غیر قابل احساسی است. در خاتمه اجازه بفرمایید قسمتی از مقدّمه بیت العدل اعظم بر ترجمه کتاب اقدس را بخوانیم. اگرچه در اینجا معهد اعلی ترجمه حضرت ولیّ امرالله از آن کتاب عظیم الشان را توصیف می نمایند ولی وصفشان در مورد ترجمه های مبارک بطور کلی نیز صادق است:

«حضرت ولیّ امرالله در ترجمه آثار به این مسئله اساسی توجّه مخصوص فرمودند که در زبان انگلیسی اسلوبی را اتخاذ فرمایند که هم معنای بیانات مبارکه را دقیقاً برساند و هم در خواننده حالت توجّهی را بوجود آورد که معمولاً از تلاوت آیات اصلیّه حاصل می گردد... علاوه بر این، احاطه کامله ملهمه حضرت ولیّ امرالله در فهم معانی و مقاصد حقیقی نصوص مبارکه در ترجمه های حضرتش پرتو افکننده است.»^{۴۰}

آثار حضرت ولیّ امرالله به انگلیسی

تاریخ چاپ	ترجمه ها	توقیعات و کتاب
۱۹۲۳	● ادعیه جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء ● اصل کلّ الخیر ● لوح دکتر فورل ● کلمات مکنونه	
۱۹۲۵		
۱۹۲۸		● نظم اداری بهائی (Bahá'í Administration)
۱۹۳۱	● کتاب ایقان	
۱۹۳۲	● تاریخ نبیل زرنندی	
۱۹۳۳	● الواحی خطاب به حضرت ورقه علیا	
۱۹۳۵	● منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (Gleanings)	
۱۹۳۸	● ادعیه و مناجات (Prayers and Meditations)	● ظهور عدل الهی (Advent of Divine Justice) ● نظم جهانی بهائی (The World Order of Bahá'u'lláh)
۱۹۴۱	● لوح ابن ذئب	● قد ظهر یوم المیعاد (The Promised Day is Come)
۱۹۴۴		● کتاب قرن بدیع (God Passes By)

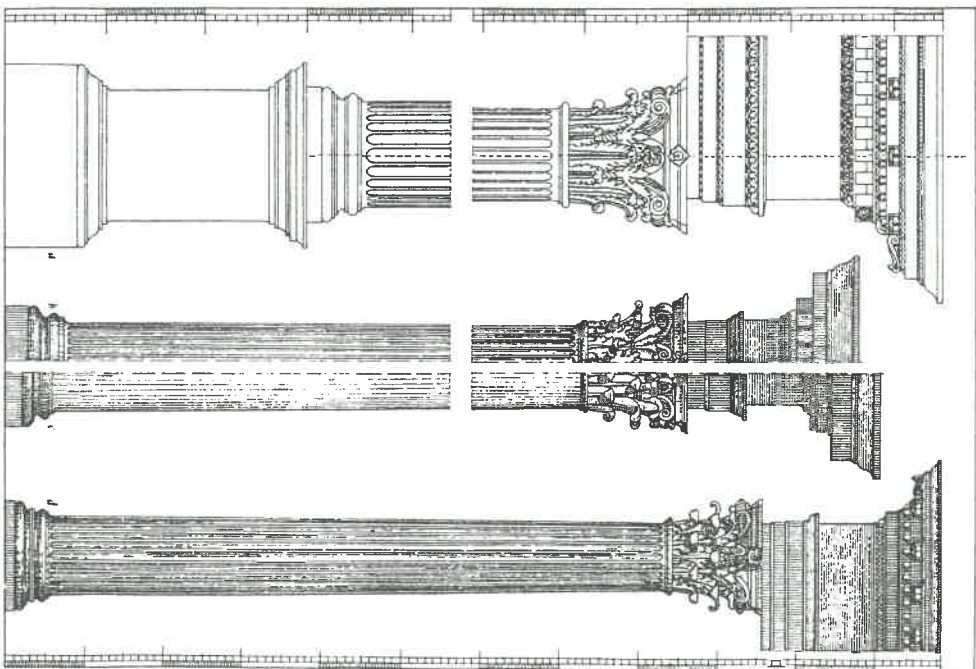
مآخذ

- حضرت بهاء الله، كتاب مستطاب اقدس، بيت العدل اعظم، حيفا، ۱۹۹۵.
- حضرت بهاء الله، مجموعة الواح مباركة حضرت بهاء الله، سعادت، قاهره، ۱۹۲۰.
- دكتور وحيد رأفتی، "مآخذ كتاب منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله"، عندليب، سال ۴، شماره ۱۳، سنه ۱۴۱ بدیع.
- امة البهاء روحیه خانم، گوهر یکتا، ترجمه ابوالقاسم فیضی، بدون نام ناشر، بدون تاریخ، ۵۰۴ صفحه.
- حضرت شوقی افندی، كتاب قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، چاپ دوم، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی - كاناڊا، ۸۶۰ صفحه.
- حضرت شوقی افندی، نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی، دانداس - كاناڊا، ۱۹۸۹.
- Bahá'u'lláh, *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, 1935.
- Bahá'u'lláh, *The Hidden Words*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, 1985.
- Bahá'u'lláh, *Kitáb-i-Aqdas*, Universal House of Justice, Haifa, 1992.
- Nabil-i-A'zam, *The Dawn-Breakers: Nabil's Narrative of the Early Days of the Bahá'í Revelation*: trans.: Shoghi Effendi, Bahá'í Publishing Committee, New York, 1932.
- Shoghi Effendi, *Advent of Divine Justice*, Bahá'í Publishing Trust, New Delhi, 1968.
- Shoghi Effendi, *The Promised Day Is Come*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, 1980.

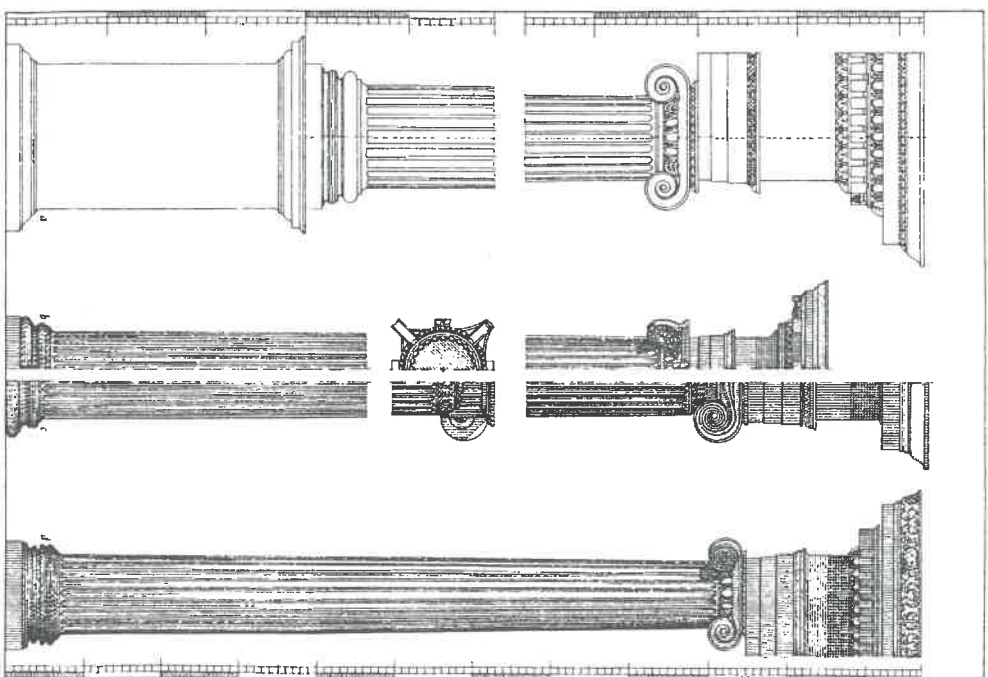
یادداشت‌ها

- ۱- امة البهاء روحیه خانم، گوهر یکتا، ترجمه ابوالقاسم فیضی، ص ۲۶۹.
- ۲- همان مآخذ، ص ۲۶۸.
- ۳- همان مآخذ، ص ۲۵۹.
- ۴- حضرت شوقی افندی، كتاب قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، ص ۲۷.
- ۵- همان مآخذ، صص ۲۷-۲۸.
- ۶- همان مآخذ، ص ۷۸.
- ۷- همان مآخذ، ص ۳۲.

- ۸- همان مأخذ، ص ۴۶۰.
- ۹- حضرت شوقی افندی، نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی، کانادا، ۱۹۸۹، صص ۱۱۱-۱۱۲.
- ۱۰- همان مأخذ، ص ۱۶۴.
- ۱۱- در مورد شرح حال او رجوع کنید به: پیام بهائی، شماره اکتبر، ۱۹۹۹.
- ۱۲- نظم جهانی بهائی، ص ۹.
- ۱۳- همان مأخذ، ص ۱.
- ۱۴- جناب دیوید هافمن (David Hofman) در مقاله‌ای راجع به حضرت شوقی افندی می‌نویسد که بدون مطالعه عمیق این تویق، هیچ بهائی نمی‌تواند ادعا کند که از امر مبارک واقعاً مطلع است. (صفحه ۹۹ Vision).
- ۱۵- گوهر یکتا، ص ۶۱.
- ۱۶- همان مأخذ، ص ۶۱.
- ۱۷- ایضاً، ص ۲۷.
- ۱۸- همان مأخذ، ص ۲۴۶.
- ۱۹- عندلیب، شماره ۱۳، ص ۵۹.
- ۲۰- گوهر یکتا، ص ۲۳۶.
- ۲۱- نظم جهانی بهائی، صص ۱۲۴-۱۲۵.
- ۲۲- گوهر یکتا، ص ۲۳۷.
- ۲۳- گوهر یکتا، ص ۲۳۷.
- ۲۴- همان مأخذ، ص ۲۴۴.
- ۲۵- نظم جهانی بهائی، صص ۸۰-۸۲.
- ۲۶- گوهر یکتا، ص ۲۶۱.
- ۲۷- همان مأخذ، ص ۲۳۵.
- ۲۸- ایضاً، ص ۶۱.
- ۲۹- نظم جهانی بهائی، ص ۳۱.
- ۳۰- همان مأخذ، ص ۳۹.
- ۳۱- گوهر یکتا، ص ۲۳۷.
- ۳۲- همان مأخذ، ص ۲۴۵.
- ۳۳- حضرت بهاء الله، مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله، سعادت، قاهره، ۱۹۲۰، ص ۳۳۴.
- 34- Bahá'u'lláh, *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*, CLI.
- ۳۵- مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله، ص ۲۵۶.
- 36- *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*, LXXXV.
- ۳۷- حضرت بهاء الله، کتاب مستطاب اقدس، بیت العدل اعظم، حیفا، ۱۹۹۵، بند ۱۸۱.
- 38- Bahá'u'lláh, *Kitáb-i-Aqdas*, Universal House of Justice, Haifa, 1992, para.181.
- ۳۹- کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۸۹.
- ۴۰- همان مأخذ، ص ۲۰.



نظم کورنتین - یونان



نظم یونیک - یونان